

## گاندو در کتابخانه

## پرونده‌ای کوچک درباره کتاب‌هایی که «نفوذ» را حدی گرفته‌اند

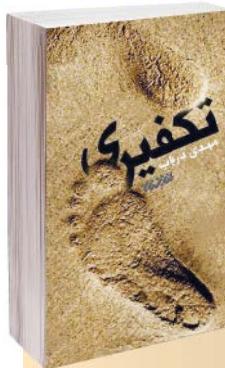
گستردگی دوام زسوسی قوای متفقین علیه حکومت هیتلر است؛ عملیاتی که با دقت بسیار و کار شبانه روزی برنامه ریزی شده تا هیتلر را شکست دهد و مانع پیشروی ارتش اوراروپا شود. در این کتاب اشاره می‌کند که این عملیات ارکان مختالف داشته که یکی از آنها «نفوذ» در ارتش و قوای نظامی و فرماندهی ارتش نازی بوده تا این طریق رخنه‌ای در فعالیت آنها باید اشود. کاری به ادامه ماجرا ندارم، بلکه خواستم یادآوری کنم که ماجراهای نفوذ نه تنها از گاردونه توهم توطئه است. انگلستان در این عملیات به بدنۀ فرماندهی ارشد قوای نازی رخنه می‌کند و عملیات خود را پیش می‌برد. ماجراهای «نفوذ» تا همین اندازه جدی است ولی خباز آتجاهکه ماسیاسی می‌اندیشیم و سعی می‌کنیم باعینک سیاست به امور نگاه نکنیم، خیلی این عبارت و اثر آن را جدی نمی‌گیریم. به همین خاطراتست که در فضای هنری این ماجرا پر زنگ نیست و اگر کسی هم دست به کار شود تاثیری مبتنی بر این رفتار تولید نکند، یا آن را نادیده می‌گیریم یا با عباراتی مانند «کلیشه‌ای» و «شعاعی»، «فرمایشی» و حتی «گل درشت» آن را ساخت می‌کنیم. به همین دلیل وقتی می‌خواهیم سراغ نفوذ و آثار مرتبط در حیطه داستان برویم با آن از زیادی روبرو نیستیم. در این گزارش مرور بر چند اثر داستانی که «نفوذ» در آن تا حدیده شده، برداخته ایم.

«کارانگلیسی هاست»، این عبارت دیگر به یک ضربالمثل در فضای عمومی تبدیل شده و بسیاری از آن به طنز و مطابیه یادمی کنند؛ هرچند برخی معتقدند این جمله ریشه در ماجرای توهم وظیه دارد ولی با مروری بر تاریخ یکی دوچن اخیر کشورمان می‌بینیم که راه نیست این ضربالمثل و «تابنا بشد چیزی مردم نگویند چیزها»؛ البته بسیاری تلاش کردند این انگاره را از ذهن مادرور کنند که انگلیس و اعوان و انصارش (شما بخواهید بیگانگان) آن غول بی شاخ و دمی که می‌گویند نیست و مایا باید ریشه مشکلات رادر خودمان جست و جو گوئیم. البته هتمبا باید به جای پیدا کردن مقصیر بیرونی دنبال مقصود رون خودمان باشیم و لی نباید فراموش کنیم گذر ایام روشن کرده در مقاطع حساس بیگانگان چه برسر ما آورد ها ند و چه دخالت ها کرده اند. حکایت این ضربالمثل هم تاکیدی است بر همین ماجرا که انگلیس به عنوان «پیر استعمار» هرجا منافعش در خطر افتاده، دست به کار شده و توظیه ای ساز کرده تا مبادا منافعش به خطر بیفتد. حال با خودتان می‌گویید این حرفاها چه ارتقاطی با قفسه و کتاب دارد که اگر صبور باشید به آن هم می‌رسیم. در واههای سب، از شهادت حاج قاسم سلیمانی، مطالعه کتاب، اشوه گردم که در اینه لک عملیات نظامی،



بَاخ

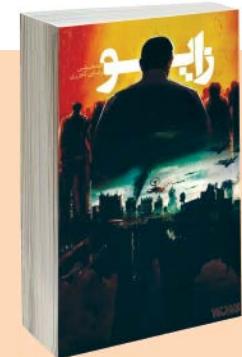
تروراً گاهی یک عملیات تروریستی منجر به ریخته شدن خون فرد یا افرادی می‌شود، ولی ممکن است حرکتی تروریستی صورت بگیرد و لی خونی از بینی کسی ریخته نمی‌شود اما با این حال یک شخصیت از دست می‌رود. رمان «باج» درباره یک ترور است. تروری که در میانه راه با مشکلاتی روبرو می‌شود. اینجا هم حرف از یک «نفوذ» است. اتفاقی که مشکوک است و بیو نفوذ می‌دهد. مشکلاتی که سبب می‌شود عملیات پیش نزود و موفقیت آمیز نشود. ماجراهای نفوذ جدی است و نمی‌توان به سادگی از آن رد شد و میتمام امیری در این اثرسایه‌ای از نفوذ را در اثرش به تصویر کشیده است. باخ روابط دو نسل منقاوت است که در کنار هم قرار می‌گیرند تا اتفاقی را رقم بزنند، ولی موفق نمی‌شوند. تویسند هرچند خیلی عمیق به نفوذ نمی‌پردازد،



تکفیری

نامش لرده برتن هرجانداری می‌انداخت.  
رفتارهایی که از آنها سرمی‌زد در هیچ مرام و  
مکتبی تایید نمی‌شد و همه‌ی غیر از حامیان  
آنها) سعی می‌کردند از آنها تبری بجوینند،  
هرچند حمایت‌های پنهان رسانه‌ای  
داشتند و اسلحه و پول در اختیار شان  
گذاشته می‌شد. «داعش»! گوهک،

تکفیری که مدعی تاسیس دولتی اسلامی بود و حرکت خود را از قلب کشورهای اسلامی آغاز کرد. رسانه‌های جهان نیز با همین دستور فرمان آنها را به جهان معرفی کرده و آنها را نماینده اسلام در جهان معرفی کردند. حالا «داعش» در یک عملیات اطلاعاتی به قلب پایتخت «نفوذ» کرده و می‌خواهد عملیات نظامی را در پایتخت ایران اسلامی اجرا کند. رمان «تکفیری» درباره این نفوذ یکی از فرماندهان ارشد اطلاعاتی داعش برای اجرای یک عملیات مهدی دریاب رمانتیک با خالق موقعيتی متفاوت، اثری در خور توجه خلق کرده است. هرچند امروز که این خطوط را می‌خوانیم با خودمان مگوییم مگر داعش به قلب پایتخت و مجلس شورای اسلامی ما حمله نکردد؟ باید توضیح داد این اثر دریاب چند سال پیش از ماجراهی حمله داعش به تهران منتشر شد و از این جایی باید آن را یک اثر آینده نگارانه هم قلمداد کرد. رمانی که شخصیت اصلی آن در گیر و داریک عملیات نظامی است، ولی تردیدهایی هم دامنگیر او شده است. این رمان که حجم زیادی هم ندارد به این نفوذ و حواشی آن اشاره می‌کند و نشان می‌دهد ماجرا جدی تر از بازی‌ها و لفاظی‌های سیاسی و رسانه‌ای است و باید جدی گرفته شود.



ڙايو

گونه علمی و تخیلی یکی از گونه‌های دوستداشتنی در جهان است. مخاطبان بسیاری دارد و از دیرباز نویسنده‌های به نام و صاحب سبک در این گونه دست به قلم شده‌اند و روایاهای خود را جامه واقعیت پوشانده‌اند. برای مثال ماجراهای سفر به ماه ژول ورن یکی از همین رویاهاست که انسان از دیرباز در سرداشته و در ادبیات هم رد پای آن به چشم می‌آید. چند سال پیش یک نویسنده جوان ایرانی هم دست به خلق یکی از رویاهای مهم و آzmanی ایرانی زد. رمانی که در آن حرف ازنابودی رژیم صهیونیستی می‌زند و خواننده شاهد جهانی تکنولوژیک است که ایران نیز سهم مهمی در این جهان دارد. جهان در آستانه یک جنگ آخرالزمانی است و ججهه‌های حق و باطل مشغول صفا آرایی در برابر هم هستند. ولی باز هم نفوذ اربوده شدن دانشمندان ایرانی توسط نیروهای اهریمنی گوشده‌ای از این رمان است که ردبای نفوذ در آن پررنگ است. در واقع ماجراهای رمان «زاپو» از همین جا (ربوده شدن دانشمندان ایرانی) آغاز می‌شود. این رمان را مامضطی رضاپایی نوشت و باید بادآوری کنیم این اثر پیش از بیانات رهبر انقلاب مبنی بر «نابودی رژیم صهیونیستی تا ۲۵ سال آینده» نوشته شده بود.